

Role of Tawhīd al-Rubūbiyyah in the Strategic Planning of the Ulū al-‘Azm Prophets from the Perspective of the Qur’ān

Safarmurod Huseinov 

Visiting Professor, Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran. Email: safarhuseyn1980@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received
27 August 2024
Received in revised form
23 November 2024
Accepted
01 December 2024
Available online
21 December 2024

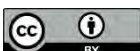
Keywords:

Qur’ān,
Tawhīd al-Rubūbiyyah,
Ulū al-‘Azm Prophets,
strategic planning model,
strategies

ABSTRACT

Based on His *Rubūbiyyah*, God sent prophets and revealed legislations through them. The *Ulū al-‘Azm* prophets (Arabic: أولو العزم, literally: the determined or steadfast)—namely, Prophet Nūḥ (Noah), Ibrāhīm (Abraham), Mūsā (Moses), ‘Īsā (Jesus), and Muḥammad (peace be upon them)—implemented strategic planning influenced by *Tawhīd al-Rubūbiyyah* (Oneness of Lordship or Divinity). This planning was structured around three key axes: understanding the current situation, drawing the desired situation, and strategies to achieve the desired situation. This study utilizes an interdisciplinary approach to analyze these stages. The findings reveal that the *Ulū al-‘Azm* prophets (peace be upon them) adopted various strategies to achieve the desired state. These strategies include communicating their mission, preserving human capital, demonstrating steadfastness and reliance on God (*Tawakkul*), linking spiritual and material affairs, highlighting the strengths of their organizational framework, laying the groundwork for the continuity of the Divinity vision in future generations, selecting successors and ensuring organizational continuity, establishing governance, and building civilizations. The strategic planning of the *Ulū al-‘Azm* prophets (peace be upon them) demonstrates distinct advantages over contemporary managerial strategic planning in areas such as addressing the comprehensive needs of agents, emphasizing teamwork, supporting human capital, integrating spiritual factors, institutionalizing organizational beliefs for competitors, and embedding spiritual elements within the organization. These advantages are evident in human, organizational, and environmental dimensions.

Cite this article: Huseinov, S. (2024). Role of Tawhīd al-Rubūbiyyah in the Strategic Planning of the Ulū al-‘Azm Prophets from the Perspective of the Qur’ān. *Theology Journal*, 10(2), 111-136. <https://doi.org/10.22034/pke.2024.19162.1905>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/pke.2024.19162.1905>



نقش توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم از منظر قرآن کریم

صفرمراد حسین او 

استاد مدعو، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران. رایانامه: safarhuseyn1980@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱	خداوند، بر اساس ربوبیت خود، پیامبران را ارسال و قوانین را از طریق آن‌ها نازل کرده است. پیامبران اولوالعزم، حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، و محمد (ع)، برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از توحید ربوبی را بر اساس سه محور شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب، و راهبردهای نیل به وضع مطلوب اجرا کرده‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش میان‌رشته‌ای، مراحل بالا را تجزیه و تحلیل کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پیامبران اولوالعزم (ع) برای نیل به وضع مطلوب، اقدام به طرح و ارائه راهبردهای گوناگونی همچون ابلاغ صریح مأموریت، حفظ سرمایه انسانی، استقامت و اتکال به خدا، پیوند دادن بین امور معنوی و مادی، بیان نقاط قوت سازمان خود، بسترسازی تداوم چشم‌انداز توحیدی در قرون آینده، انتخاب جانشین و استمرار سازمان، تشکیل حکومت، و تمدن‌سازی داشته‌اند. برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع) در قضایایی همچون توجه به تمام نیازهای کارگزاران، اهمیت دادن به کار تیمی، پشتیبانی از سرمایه انسانی، توجه به عوامل معنوی، نهادینه‌سازی باورهای سازمان برای رقبا، و نهادینه‌سازی فاکتورهای معنوی در سازمان، نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی دانش مدیریتی، از امتیازات انسانی، سازمانی، و محیطی برخوردار است.
کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، توحید ربوبی، پیامبران اولوالعزم، مدل برنامه‌ریزی راهبردی، راهبردها	

استناد: حسین او، صفرمراد (۱۴۰۳). نقش توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع) از منظر قرآن کریم.

پژوهشنامه کلام، ۱۱(۲)، ۱۱۱-۱۳۶. 19162.1905. pke.2024.10.22034/doi



© نویسنده(گان).

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

برنامه‌ریزی راهبردی که برای حل مسائل حیاتی سازمان بوده و با نگاه خارج از سازمان طراحی می‌شود، تصمیم‌گیری برای رسیدن به اهداف سازمانی است که مستمر تحلیل از محیط داخل و خارج سازمان داشته، همراه با رقابت بین سازمان‌های همگون است.

خداوند یگانه با تدبیر حکیمانه، سازمان هستی را آفریده، جهت و مسیر فعالیت‌های آن را به‌نحو احسن تعیین نموده و در مقام تعلیم، پیش‌بینی آینده، و برنامه‌ریزی راهبردی، تمام این موارد را در قرآن کریم از طریق ارسال پیامبران یادآور شده است.

از میان پیامبران الهی، پنج نفر پیامبران اولوالعزم هستند که در قرآن کریم ویژگی‌های آن‌ها و قومشان بیان شده و دعاها و رنج‌های ایشان از مظلومیت و طغیان قومشان فراوان حکایت شده است. صبر و مقاومت آن‌ها در مقابل بی‌احترامی مردم به‌صورت شفاف بیان گشته است (هاشمی شهرستانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۰). آن بزرگواران (ع) جهت برون‌رفت از مشکلات و چالش‌های فراوان زندگی فردی و اجتماعی و در راستای هدایت و رهبری امت خویش، از برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی بهره برده‌اند.

این مقاله با طرح پرسش «نقش تأثیر توحید ربوبی پیامبران اولوالعزم در مدل برنامه‌ریزی راهبردی از منظر قرآن کریم چیست؟» پاسخ به سؤال‌های زیر را دنبال می‌کند: پیامبران اولوالعزم وضع موجود قوم خود را چگونه شناسایی می‌کردند؟ آن حضرات چه ترسیمی از وضع مطلوب آینده داشته‌اند؟ راهبردهای ایشان برای نیل به وضع مطلوب چیست؟

مبای نظری

پیشینه موضوع

واکاوی سوابق تحقیق شامل دو کتاب تأثیر جهان‌بینی توحیدی در دانش مدیریت (دیالمه، ۱۳۹۳، صص. ۳-۷) و النظرية الاستراتيجية والاستراتيجية في القرآن الكريم (اللواتی، ۱۳۹۶، صص. ۱۳-۳۳۶) و چهار مقاله زیر می‌شود:

الف) «فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک از منظر قرآن» (حیدرزادگان و مشهدی‌عباس، ۱۳۹۲، صص. ۴۷-۶۱)

ب) «سازوکار توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی با تأکید بر قرآن کریم» (لطفی و حسین‌اف، ۱۳۹۶، ص. ۳۰۵)

ج) «جامعیت قرآن کریم در عرصه تأثیر اعتقاد به توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی» (لطفی و حسین‌اف، ۱۳۹۷)

د) «جامعیت برنامه‌ریزی راهبردی قرآن برای انسان مؤمن با بررسی آیات یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» (حسین‌اف، ۱۳۹۷)

به‌جز رساله دوره دکتری «تبیین مدل برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس توحید ربوبی از منظر قرآن کریم» (حسین‌اف، ۱۳۹۸)، در موضوع تحقیق، پژوهش مستقلی که بر یافته‌های دو حوزه علوم اسلامی و

انسانی مبتنی بوده و با رویکرد و ابعاد مورد نظر در این مقاله به موضوع پرداخته باشد، صورت نگرفته است. با این حال، بخش‌هایی از محتوای پژوهش در منابع گوناگون، به‌شکلی غیرمستقیم در دو گونه منابع دست اول و دوم به برخی ابعاد موضوع پرداخته‌اند.

روش تحقیق

روش مقاله، میان‌رشته‌ای است. پژوهش از نوع تفسیر موضوعی برون‌قرآنی با نگاهی به دستاوردهای علم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی بوده و تأثیر اعتقاد به توحید ربوبی در برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع) را بررسی می‌کند.

گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است؛ با مراجعه به قرآن کریم، کتاب‌های تفسیری، مدیریتی، و برنامه‌ریزی راهبردی، اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع گردآوری و به تحلیل و تبیین آن‌ها پرداخته شده است.

بر اساس روش تحلیل محتوا و سیر تنزیلی آیات، موضوع توحید و داستان پیامبران بیشتر در سوره‌ها و آیات مکی پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی

در این بخش، اشاره‌ای به مفاهیم برنامه‌ریزی راهبردی، مدل، مدل برنامه‌ریزی راهبردی، توحید ربوبی، و پیامبران اولوالعزم می‌شود.

برنامه‌ریزی راهبردی

برنامه‌هایی که برای کل سازمان طراحی می‌شوند، اهداف کلی سازمان را ترسیم می‌کنند و به‌دنبال تعیین وضعیت سازمان در محیط هستند (Stephen & Coulter, 2013, p. 120). برنامه‌ریزی راهبردی برای پاسخ به سؤالات زیر است: ما که هستیم؟ چه ظرفیتی داریم و چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ با چه مشکلی مواجه هستیم؟ چه می‌خواهیم ایجاد کنیم؟ کدام مسائل مهم را باید پاسخ دهیم؟ کجا باید منابع را اختصاص دهیم؟ اولویت ما باید چه باشد؟ (Shapiro, 2001, p. 3). برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس اهداف، دارای چهار هدف اصلی است:

- پیدا کردن، جذب، و حفظ مشتریان
- اطمینان شرکت از برآوردن نیازها و خواسته‌های واقعی مشتریان
- حفظ موقعیت رقابتی
- شناسایی و استفاده از نقاط قوت شرکت و بهره‌مندی از نقاط ضعف رقیب (Alkhafaji, 2003, p. 12)

ویژگی‌های برجسته برنامه‌ریزی راهبردی:

- برنامه‌ریزی راهبردی در واقع تصمیم‌گیری برای رسیدن به اهداف حیاتی سازمانی و با تحلیل امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی سازمان بوده و خود را برای رقابت با سازمان‌های رقیب همگون می‌سازد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۴-۱۲۵).
 - فراگیر بوده و برنامه‌ریزی عملیاتی سازمان را پوشش داده و جهت‌بخش آن‌هاست (برایسون، ۱۳۸۱، ص. ۸۱).
 - برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه معنادار و پیوسته به یکدیگر را تنظیم می‌کند تا معیارهای اندازه‌گیری و تحقق تصویر ایدئال آینده را تجسم بخشد (هینز، ۱۳۸۷، ص. ۳۷).
 - توجه به اصل سرعت، دقت در انجام امور، اهمیت نوآوری، و تغییر در سازمان دارد (فرهمند، ۱۳۸۴، صص. ۳۴۵-۳۴۶).
 - از نظر سطحی، تنها سطح عالی مدیریت سازمان درگیر آن است، از نظر زمانی، بلندمدت است، و از نظر تمرکز، نخست روی عوامل خارجی تمرکز می‌کند (اسکودر بک و کفالس، ۱۳۸۵، ص. ۵۶۳).
- بنابراین، برنامه‌ریزی راهبردی، تصمیم‌گیری برای رسیدن به اهداف حیاتی سازمانی است که مستمر تحلیل از محیط داخل و خارج سازمان داشته، همراه با رقابت بین سازمان و سازمان‌های همگون می‌باشد. این برنامه‌ریزی سه گام تدوین، اجرا، و ارزیابی دارد. مدل منتخب برنامه‌ریزی راهبردی، بیانگر شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب، و راهبرد نیل به وضع مطلوب است.

مدیریت راهبردی و تفاوت آن با برنامه‌ریزی راهبردی

مدیریت راهبردی روندی پیوسته و تعاملی است که هدفش حفظ تناسب و هماهنگی کلیت سازمان با محیط اطراف است (سرتو و پائول، ۱۳۸۰، ص. ۱۵).
 بعد از انتشار کتاب برنامه‌ریزی راهبردی تا مدیریت راهبردی (آنسوف، دکلرک، هیس؛ ۱۹۷۶)، واژه مدیریت راهبردی پدید آمد. مدیریت راهبردی چیزی فراتر از برنامه‌ریزی است که شامل تحقق استراتژی‌ها و کنترل استراتژی‌ها می‌باشد (گرونیك، ۱۳۸۵، صص. ۹-۱۰).

تفاوت برنامه‌ریزی راهبردی با مدیریت راهبردی از جنبه‌های چندگانه به‌نحو زیر است:

جنبه‌ها	برنامه‌ریزی راهبردی	مدیریت راهبردی
ساختاری	ماهیتاً تمرکزگرا است	غیرتمرکزگرا است
سطح مشارکت	بازیگران را به کار می‌گیرد	کلیه بازیگران بالقوه به عمل می‌پردازند؛ هم برای تنظیم و هم برای اجرای برنامه
قلمرو تأثیرگذاری	تمایل به تأثیرگذاری در محیط دارد	هم تمایل به تأثیرگذاری بر محیط دارد و هم بر توسعه صلاحیت‌ها و قابلیت‌های درونی تأکید می‌ورزد
ابعاد	تنها بر بعد تولید اصرار می‌ورزد	بر سه بعد تولید، سازمان‌دهی و سیاسی اصرار می‌ورزد
محصول	محصول آن، یک برنامه است	محصولش یک برنامه به‌علاوه اقدامات و تغییرات فرهنگی و ... است (شمس، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۸).

جدول ۱: نقاط افتراق میان برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی

مدل

مدل به معانی الگو، نمونه، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۴۴، ص. ۳۹)، سرمشق هر چیز و هر کس، اعم از مجسمه و انسان و غیره که در برابر هنرمند قرار گیرد تا از روی آن نقاشی کند یا مجسمه بسازد (معین، ۱۳۷۶، ص. ۳۹۶۹)، سبک یا شیوه ساختن چیزی (عمید، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۳۴۷۴) آمده است.

در علوم اجتماعی، مدل شامل نمادهاست تا اشیای فیزیکی، یعنی ویژگی‌های بعضی از پدیده‌های تجربی شامل اجزا و روابط بین آن‌ها را به شکل منطقی بین مفاهیم نشان می‌دهد (نچمیاس، ۱۳۸۱، ص. ۶۵). مدل‌ها منعکس‌کننده روابط نظام‌یافته متغیرها، عوامل، و عناصر در عالم واقع و جهان خلقت است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ص. ۱۶). تصویری نسبتاً کلی از طرح اصلی یک پدیده بزرگ است (فرهنگی و صف‌زاد، ۱۳۸۵، ص. ۶۹). مدل، دستگاه اندیشه‌ای است که به وسیله آن، ضمن تبیین گزاره‌های منتج از دانش‌های مرتبط و رابطه بین آن‌ها، بتوان طی یک فرایند منطقی و شفاف، به تولید دانش و پاسخ‌گویی به پرسش در یک عرصه میان‌رشته‌ای پرداخت (نقره‌کار، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۱).

میان معانی Model (مدل)، Pattern (الگو)، و Nominal (نمونه) تفاوت وجود دارد. مراد از مدل، ساختار مفهومی به دست آمده از یک برنامه‌ریزی راهبردی است که می‌تواند الگوهای متعددی را ارائه دهد، درحالی‌که الگو، یک ساختار عینی از برنامه‌ریزی راهبردی است و نمونه، طرح کاملاً عینی محسوب می‌شود (دیباجی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸).

مدل برنامه‌ریزی راهبردی

مراحل برنامه‌ریزی راهبردی شامل هشت مرحله است: (۱) آگاهی از فرصت‌ها؛ (۲) تعیین هدف‌ها؛ (۳) در نظر گرفتن فرض‌های برنامه‌ریزی؛ (۴) تعیین گزینه‌ها؛ (۵) با هم سنجیدن گزینه‌ها در پرتو هدف‌ها؛ (۶) برگزیدن یک گزینه؛ (۷) صورت‌بندی برنامه‌های پشتیبانی؛ و (۸) عددی کردن برنامه‌ها با بودجه‌بندی (Weinrich & Koontz, 2006, p. 104).

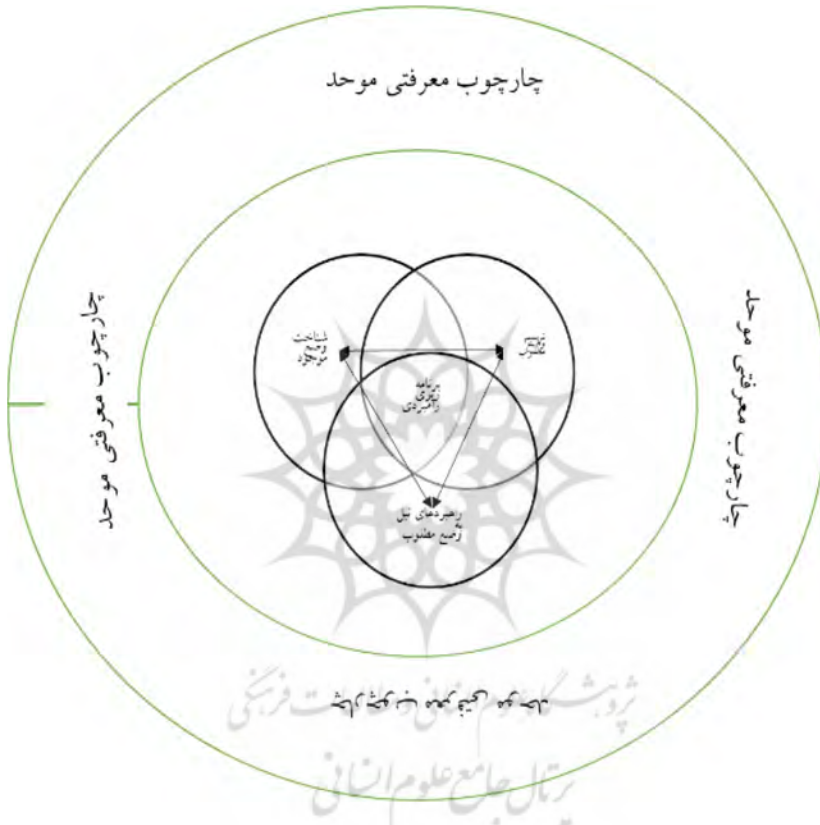
فرایند برنامه‌ریزی راهبردی باید به موارد ذیل پاسخ دهد: جایگاه فعلی سازمان یا سازمان در شرایط فعلی کجاست (شناخت وضع موجود)؟ سازمان می‌خواهد یا باید به کجا برسد (ترسیم وضع مطلوب)؟ سازمان با چه راهبردهایی به وضع مطلوب خواهد رسید؟ (سادلند و دیانا، ۱۳۹۰، ص. ۳۴۵).

از واژگان مترادف مدل، Paradigm (پارادایم) است. پارادایم، الگوواره، نمونه، و مدل، به مجموعه دستاوردهای علمی‌ای گفته می‌شود که مورد قبول عموم یا گروهی به رسمیت شناخته شده و برای مدتی در طرح و حل مسائل جامعه علمی، نقش الگو را به عهده می‌گیرد (Kuhn, 1970, pp. 8, 35).

چارچوب‌های معرفتی معمولاً طی یک اتفاق منطقی رخ می‌دهند و سپس از راه‌های مختلف به قدری در جامعه تکرار می‌شوند که در نهایت به یک چارچوب بدیهی تبدیل می‌گردند. امروزه، چارچوب معرفتی به معنای جهان‌بینی و نظریه کلی انسان راجع به قلمرویی از هستی است که با توجه به آن نظریه، به بررسی جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد (عابدی‌جعفری و معصومی‌مهر، ۱۳۹۲، ص. ۴۸). در این تحقیق، به جای واژه «پارادایم» از اصطلاح «چارچوب معرفتی» استفاده خواهد شد.

معرفت توحیدی، چارچوب معرفتی منسجم (پارادایم) پیامبران اولوالعزم (ع) است و رسالت، مأموریت، و حوزه وظایف ایشان در همین چارچوب کلان تعریف و ابلاغ شده است. برنامه‌ریزی راهبردی سه‌گام شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب، و راه‌های نیل به وضع مطلوب، از باورهای پیامبران اولوالعزم نشئت گرفته است.

این سه مرحله در تعامل با یکدیگر بوده و تحت چارچوب معرفتی موحد قرار دارند.



شکل ۱: تعامل سه مرحله‌ای برنامه‌ریزی راهبردی

در شناخت وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب، همه جوانب نیازهای انسان برای برنامه‌ریزی راهبردی مهم بوده است، ولی مباحث فرهنگی-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. هرچند در بررسی و تحلیل مباحث اقتصادی، سیاسی، علمی، و غیره نیز اشاراتی شده است. شناخت وضع موجود در استراتژی‌هایی از قبیل گاو شیرده یا استراتژی ثبات (احمدی و همکاران، ص. ۵۷) و استراتژی‌های ترکیبی (فروزنده دهکردی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۸۱) به کار رفته است. همچنین، بررسی وضعیت موجود در مدل/فرایند برنامه‌ریزی راهبردی دانشمندانی از قبیل مینتزبرگ، دیوید، هیل و جونز، کلر، و پیترسون آمده است. تصویرسازی وضع مطلوب نیز در الگو/فرایند برنامه‌ریزی اشخاصی

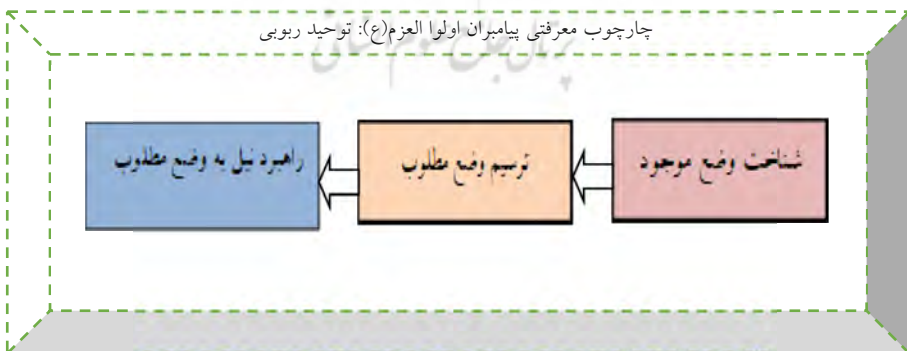
چون دیوید، گوشتاین و همکاران، هیل و جونز، برایسون، و پیترسون مورد بررسی قرار گرفته است (فرازی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۶۳-۶۵).

در تحلیل وضعیت کنونی باید جزئیات را به اندازه کافی در نظر گرفت تا نیاز به تغییر یا استراتژی تغییر مورد تأکید قرار گیرد. درک وضعیت کنونی سازمان پیش از تغییر لازم است تا مشخص شود برای رسیدن به وضعیت مطلوب آینده، کدام تغییرات مورد نیاز است و چگونه می‌توان تأثیر آن تغییر را سنجید (نوریان، بی‌تا).

آنچه در شناخت وضع موجود مورد توجه قرار می‌گیرد، ضعف‌های داخلی است، چنان‌که در شناخت وضع اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)، آن‌ها بیشتر درگیر ضعف قوم خود بوده و از صفات مذموم آن‌ها رنج می‌بردند، و آنچه در ترسیم وضع مطلوب مد نظر است، همان ترسیم چشم‌انداز و مأموریت سازمان است. در چارچوب یک مأموریت مشخص، ممکن است سازمان، چشم‌اندازهای مختلف و مسیرهای متفاوتی را دنبال کند. انتخاب چشم‌انداز (نقطه مطلوب آینده) می‌باید بر اساس ویژگی‌های خاص سازمان (شامل قوت‌ها، ضعف‌ها، و شایستگی‌های محوری) و نیز شرایط حاکم بر محیط سازمان (شامل فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی) صورت گیرد.

تصویر مطلوب آینده، در واقع، ابعاد سازمانی ایدئال را ترسیم می‌کند که علاقه‌مندی به آن را ایجاد کرده و به‌سوی آن حرکت می‌دهد. چشم‌انداز در سازمان باعث هماهنگی فعالیت‌های مختلف در بخش‌های گوناگون گشته و زمینه انسجام فعالیت‌های سازمان در طول زمان و در مقاطع زمانی مختلف خواهد شد. تحقق این دو مهم، با اجماع و اتفاق نظر افراد و گروه‌های کلیدی سازمان در مورد چشم‌انداز ترسیم‌شده به دست می‌آید (فرازی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۹).

طراحی و استفاده از الگوی نظری-مفهومی و مناسب برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد پیامبران اولوالعزم (ع)، منجر به تحلیل و تفسیر بهتر پدیده‌های برنامه‌ریزی راهبردی علمی می‌شود. بر این اساس، چارچوب نظری الگوی تحقیق حاضر، به‌صورت زیر است:



توحید ربوبی

بر اساس تفکر توحیدی، خداوند هم خالق جهان است و هم رب و پرورش‌دهنده موجودات و هدایت‌کننده آن‌ها، و اختیار همه قلمروهای هستی در دست قدرت اوست. ربوبیت خدای بزرگ در پهنه هستی و نیازمندی‌های گسترده آن‌ها در تکوین و تشریع است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج. ۲، ص. ۴۲۸). او افزون بر هدایت همه موجودات، جماد، نبات، حیوان، و انسان، به‌سوی کمال خودخواسته و اعطای ابزار بایسته آن، حاجت‌های مادی و معنوی روزانه آنان را فراهم می‌سازد (حیدری‌فر، ۱۳۸۷، ص. ۳۳۰).

ربوبیت تکوینی به معنای تدبیر مستقیم موجودات جهان (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۸، ص. ۲۵) و ربوبیت تشریعی به معنای تدبیر غیرمستقیم است که با فرستادن شریعت، خطوط حرکت فردی، اجتماعی، مادی، و معنوی انسان ترسیم شده و انسان با گزینش آگاهانه و عمل کردن به شریعت، خود را در حیطه تدبیر الهی وارد می‌کند (ضیائی‌فر، ۱۳۸۲، ص. ۳۲۸). ربوبیت تشریعی اختصاص به موجودات ذی‌شعور دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۸۴).

پیامبران اولوالعزم

در ذیل آیات شریفه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ...» (احزاب ۷)، «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى...» (شوری ۱۳)، و «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف ۳۵)، در روایات آمده است که منظور از پیامبران اولوالعزم، پیامبرانی بوده‌اند که اهل شریعت و دارای کتاب بوده (طبرانی، ۲۰۰۸، ج. ۵، ص. ۱۶۷)، بزرگان انبیا محسوب گشته، و پیروان زیادی داشته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲۷، ص. ۵۸۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج. ۵، ص. ۳۴۰؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج. ۵، ص. ۳۴۲).

این پیامبران عبارت‌اند از:

- حضرت نوح (ع): سومین پیامبری که نام او ۴۳ بار در قرآن در حدود ۱۱۴ آیه ذکر شده است (حکیم، ۱۳۷۴، صص. ۱۵۷-۱۵۸). در سوره‌های قرآن، دعاها و رنج‌ها، مظلومیت، و طغیان قومش فراوان حکایت شده است. صبر و مقاومت نوح در مقابل بی‌احترامی مردم به‌صورت شفاف بیان شده است (هاشمی شهرستانی، ۱۳۸۹، ص. ۶۰).
- حضرت ابراهیم (ع): نامش در ۶۳ آیه از ۲۵ سوره، ۶۹ بار در قرآن کریم ذکر شده است (اعلام القرآن، ۱۳۷۹، ج. ۱، ص. ۱۶۶). قرآن کریم از دعا‌های گوناگون حضرت ابراهیم درباره خودش (شعراء ۸۴-۸۵) و دیگران (بقره ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹؛ شعراء ۸۷؛ ابراهیم ۳۵، ۳۷) سخن گفته است که جای عبرت‌گیری است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص. ۱۸۹-۲۰۲). حضرت ابراهیم (ع) با اوصاف حمیده فراوانی از جمله خنیف، مسلم، منیب، آواه، شاکر، قانت، و صدیق در قرآن کریم یاد شده است (شبستری، ۱۳۷۹، ص. ۲۵).
- حضرت موسی (ع): نامش ۱۳۶ مرتبه در ۳۴ سوره و ۱۳۱ آیه آمده است. بعضی ویژگی‌های ایشان در قرآن: مخلص، رسول، و نبی (مریم ۵۱)؛ بهترین مدح و ثنا شده (مریم ۵۲)؛ نعمت‌داده‌شده خدا

- (مریم ۵۸)؛ درخواست کمک از خدا و اظهار نیاز به او (قصص ۲۴) (شریفی، ۱۳۸۴، صص. ۵۸-۶۰).
- حضرت عیسی (ع): نامش به صورت عیسی (ع) ۲۵ بار و به صورت مسیح (ع) ۱۳ بار، و در مجموع ۳۸ بار در قرآن کریم آمده است. از ویژگی‌های او در قرآن: عبدالله و نبی (مریم ۳۰)، پسر پاکیزه (مریم ۱۹)، رسول، روح خدا، و کلمه (نساء ۱۷۱) (بهشتی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲)؛ دارای کتاب انجیل (مائده ۴۶)؛ امام (احزاب ۷)؛ از گواهان بر اعمال (نساء ۱۵۹)؛ مائده ۱۱۷)؛ بشارت‌دهنده به آمدن پیامبر اسلام (صف ۶) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۲، صص. ۱۴-۱۶).
 - پیامبر اسلام (ص): نامش چهار بار به صورت «محمد (ص)» و یک بار به صورت «احمد (ص)» در پنج سوره قرآن کریم آمده است. قرآن کریم از حوادث و گروه‌های اجتماعی که آن حضرت با آنان روبه‌رو گشته، طی آیات مختلف گزارش کرده است، از جمله گروه‌ها و افراد مخالفان، بیمارستان، منافقان، و بعدها در مدینه یهودیان بوده‌اند. از دیگر حوادث، واقعه مباحله (آل عمران ۶۱) و غدیر خم (مائده ۳ و ۶۷) می‌باشد (کافی، ۱۳۹۶، صص. ۱۹۱-۲۳۱).

تجزیه و تحلیل و یافته‌های تحقیق

برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع) که تحت چارچوب معرفتی آن‌ها (توحید ربوبی) در سه مرحله شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب، و راهبردهای نیل به وضع مطلوب با محوریت محیط داخلی و خارجی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، بعضی از یافته‌ها در هر سه محور مشترک و بعضی موارد به صورت خصوصی برای هر کدام از آنان بوده است (حسین‌او، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۰).

بیشترین بخش محیط داخلی پیامبران اولوالعزم را نقاط ضعف قوم آن بزرگواران تشکیل می‌داد که با آن روبه‌رو بوده‌اند. در مجموع، ویژگی‌های منفی زیادی که قوم پیامبران اولوالعزم داشتند، شامل کفر، شرک، نفاق، تکبر، لجاجت، بندگی و بردگی غیر خدا، مقابله با پیامبران، تهمت، تمسخر، تکذیب، جهل، خرافه، و اوصاف منفی دیگر بود که کار تبلیغ و هدایت را برای پیامبران سخت کرده بود. با این حال، پیامبران اولوالعزم (ع) با استفاده از نقاط قوت داخلی، از جمله پیام رسای وحی، صبر، توکل، استقامت، گرایش اکثر ضعیفان قوم، و دیگر موارد، توانستند برنامه‌ریزی راهبردی خود را به صورت کارآمد و مؤثر پایه‌ریزی، اجرا، و بازنگری نمایند.

پیامبران اولوالعزم، برنامه‌ریزی راهبردی خود را با توجه به محیط خارجی و با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی انجام داده‌اند. تهدیدهای بیرونی برای پیامبران، از نظر نرم‌افزاری، فتنه و کید دشمنان اصلی آن‌ها، از قبیل فراعنه، اشراف، و ملأ آن‌ها بوده است. آن‌ها از طریق زور و تزویر سعی می‌کرده‌اند تا مواعی بر سر راه برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران ایجاد کنند و در این مسیر از هر نوع وسیله ممکن استفاده می‌کرده‌اند. اما فرصت‌های فراوانی از نظر آفاقی و انفسی برای تبلیغ پیامبران اولوالعزم وجود داشته است که ایشان نیز به بهترین وجه از فرصت‌ها بهره‌مند می‌شدند. استفاده از سیر آفاقی و انفسی اعضا و پیروان، فرصت استجاب دعا، ناتوانی رقابت منطقی دشمنان، و دیگر موارد، از جمله فرصت‌هایی بوده است که پیامبران برای برنامه‌ریزی راهبردی خود استفاده برده‌اند (حسین‌او، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۱).

یافته‌های مدل جامع تحقیق

شرح یافته‌ها چنین است: (۱) اشتراکات و افتراقات وضع موجود پیامبران؛ (۲) اشتراکات و افتراقات وضع مطلوب؛ و (۳) اشتراکات و افتراقات راهبردهای نیل به وضع موجود پیامبران.

موارد مشترک در هر سه مرحله، از دو مورد مشترک به بالا مدنظر تحقیق در جمع‌بندی می‌باشد. به جهت خلاصه‌گویی، از نوشتن موارد اشتراک و افتراق پرهیز شده و فهرست آن‌ها طی جداولی یادآوری می‌شود.

وضع موجود

در این قسمت، اشتراکات و افتراقات مرحله وضع موجود پیامبران اولوالعزم ذکر می‌شود.

اشتراکات وضع موجود

وضع موجود مشترک اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)	
فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
کفر به خدا و آیات خدا (مائده ۷۸، نوح ۲۶)	تهدید به سنگسار پیامبران (مریم ۴۶، شعراء ۱۱۶)
شرک و بت‌پرستی (عنکبوت ۱۷)	ظلم و ستم به خود و دیگران (نساء ۱۵۳، اعراف ۱۳۸، بقره ۵۴، هود ۳۹)
تکذیب پیامبران (عنکبوت ۱۸)	جهالت (اعراف ۱۳۸، هود ۲۹)
تکبر و استکبار در عقیده (بقره ۸۷)	پیامبرکشی (نساء ۱۵۵، بقره ۶۱، آل عمران ۲۱، انبیاء ۶۸)
خود را فرزندان خدا دانستن (مائده ۱۸)	استکبار و خودبرتربینی (عنکبوت ۳۹، قصص ۴، مائده ۱۸، جمعه ۶)
خیال نرسیدن آتش دوزخ به جز چند روز (بقره ۸۰)	تفرقه و اختلاف (سجده ۲۵)
غلو در دین (نساء ۱۷۱، مائده ۱۱۶)	نقض عهد و پیمان‌شکنی (نساء ۱۵۵-۱۵۷ و مائده ۱۳ و ۱۴)

جدول ۲: موارد مشترک وضع موجود پیامبران اولوالعزم (ع)

موارد افتراق وضع موجود

افتراقات وضع موجود اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)	
فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
تمسخر نوح (هود ۳۸)	خشک‌سالی و قحطی (نوح ۱۱)
گمراه خواندن نوح (اعراف ۶۰)	نابودی اموال (نوح ۱۲)
تفوق و برتری قائل نبودن برای نوح (هود ۲۷)	عقیم گشتن زنان (نوح ۱۲)
نسبت دروغ‌گویی به نوح (هود ۲۷)	تبعید (مریم ۴۶)
ساده‌لوح دانستن افراد مؤمن (هود ۲۷، شعراء ۱۱۱)	هلاکت فرزندان (نوح ۱۲)
نپذیرفتن نصیح و خیرخواهی نوح (هود ۳۴)	تولد فرزندان کافر (نوح ۲۶)
مبارزه طلبی با جدال (هود ۳۲)	به کفر کشاندن مؤمنان (نوح ۲۷)
تعصب قومی (مریم ۴۶، انبیاء ۶۸، عنکبوت ۲۴)	رفتارهای ناپه‌نجار نسبت نوح (نوح ۷)
انحطاط فکری (بقره ۲۵۸، انعام ۸۰-۸۱)	گمراه کردن بسیاری از مردم (نوح ۲۴)
ظلم و ستم نسبت به خود (انبیاء ۶۴)	رباخواری و مال‌خوری به باطل (نساء ۱۶۱)
عبادت و اطاعت شیطان (مریم ۴۴)	فسق (مائده ۲۵)

قرار دادن عقل خویش در برابر کلام وحی (بقره ۷۵)	اتهام به موسی برای فساد در زمین (اعراف ۱۲۷)
کتمان حقیقت و لبس حق با باطل (آل عمران ۷۱)	بندگی و بردگی فرعون (شعراء ۲۲)
عصیان و تعدی (مائده ۷۸)	خواستار تبدیل نعمت‌ها (بقره ۶۱).
بغی (شوری ۱۴)	لجاجت و بهانه‌جویی (بقره ۶۸-۷۳)
ادعای خدایی و ربوبیت فرعون (قصص ۳۸، نازعات ۲۴)	حریص‌ترین مردم نسبت به مادیات (بقره ۹۶)
تغییر گفته خدا به دلخواه خود (بقره ۵۹)	فراموشی خود (بقره ۴۴)
اتهام سحر بودن دلایل و معجزات حضرت عیسی (مائده ۱۱۰).	حسادت (بقره ۱۰۹)
حضرت عیسی را فرزند خداوند دانستن (توبه ۳۰).	جسارت در برابر پیامبران الهی (نساء ۴۶)
اختلاف در تفسیر تورات (زخرف ۶۳)	دوست‌داری دنیا و زینت آن (بقره ۹۶).
تفسیر تورات با ذوق و میل خود (بقره ۸۷).	مبارزه مسلحانه با پیامبر اسلام (انفال ۵-۷، ۲۶، ۱۱، ۵۵-۵۸، حشر ۱۱-۱۳، آل عمران ۱۲۱-۱۸۸، احزاب ۲۶، فتح ۱-۳، نساء ۹۴، توبه ۲۵-۳۸-۳۹)
نفاق (منافقون ۴، نساء ۱۴۵)	ترک قوانین تورات، دوست‌داری کافران و روگردانی از مؤمنان (بقره ۸۴-۸۷).
آخرت را مخصوص خود دانستن (بقره ۹۶).	مورد لعن حضرت عیسی (ع) قرار گرفتن (مائده ۷۸).

جدول ۳: موارد افتراق وضع موجود پیامبران اولوالعزم (ع)

وضع مطلوب

در این قسمت، اشتراکات و افتراقات مرحله وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم، ذکر می‌شود.

اشتراکات وضع مطلوب

ترسیم وضع مطلوب مشترک اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)	
فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
عبادت و تقوی خداوند (شعراء ۱۰۸ و ۱۱۰، نوح ۳، عنکبوت ۱۶، آل عمران ۵۱، مائده ۷۲، مریم ۳۶، زخرف ۶۴)	تبعیت و پیروی از راه پیامبران (مریم ۴۳، اعراف ۱۵۸)
اطاعت و پیروی از پیامبران (شعراء ۱۰۸ و ۱۱۰، نوح ۳، زخرف ۶۴، مریم ۴۳)	عدم دریافت مزد از قوم (هود ۲۹، شوری ۲۳)
توکل به خدا (یونس ۷۱ و ۸۴)	حفظ سرمایه انسانی (انعام ۵۲، هود ۲۹)
استغفار راه نجات از گناهان پیشین (هود ۳، نوح ۱۰)	عدم لزوم وجود خزائن الهی پیش پیامبر (انعام ۵۰، هود ۳۱)
توبه به‌سمت خدا (بقره ۵۴، هود ۳)	لازم نبودن آگاهی پیامبر از غیب (انعام ۵۰، هود ۳۱)
ابطال خط شرک (مائده ۷۲)	عدم التزام بین هدایت و فرشته بودن هادی (انعام ۵۰، هود ۳۱)

جدول ۴: موارد مشترک وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم (ع)

افتراقات وضع مطلوب

ترسیم وضع مطلوب مخصوص اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)	
فرهنگی-اعتقادی	اجتماعی-رفتاری
بخشش گناهان (نوح ۴)	باران فراوان (نوح ۱۱)
عدم الزام و اجبار در عقیده (هود ۲۸)	به دست آوردن مال (نوح ۱۲)
دائم به ذکر و یاد خدا بودن (هود ۴۱)	تولد فرزندان پسر (نوح ۱۲)
راه نجات در همفکری و همراهی با مؤمنان (هود ۴۲-۴۳)	نهرهای جاری (نوح ۱۲)
رحم خداوند، راه نجات بندها (هود ۴۳. اعراف ۶۳)	مهلت زندگی طبیعی (نوح ۴)
دریافت موهبت الهی با زحمات شخص دریافت کننده	عدم قضاوت پیشاپیش نسبت به سرمایه انسانی (هود ۳۱)
موهبت (ابراهیم ۱۱)	
شکر خداوند (عنکبوت ۱۷)	امنیت و هدایت (انعام ۸۲)
امیدواری به خداوند در استجاب دعا (مریم ۴۸)	جستجوی روزی نزد خدا (عنکبوت ۱۷)
تسلیم خدا بودن تا آخر عمر (بقره ۱۳۲)	عدم تکفیر یکدیگر و لعنت نکردن یکدیگر (عنکبوت ۲۵)
استعانت از خدا (اعراف ۱۲۸)	تداوم دشمنی بین قوم تا ایمان آوردن به خدا (ممتحنه ۴)
اجرای اوامر الهی (بقره ۶۷ و ۶۸)	صبر و استقامت (اعراف ۱۲۸)
نسبت سحر ندادن به آموزه‌های الهی (یونس ۷۷)	بازی و مسخره نکردن اوامر الهی (بقره ۶۷)
به خدا دروغ نبندید که نومید می شوید (طه ۶۱)	ورود به سرزمین مقدس (مائده ۲۱)
یاوران خدا بودن (آل عمران ۵۲. صف ۱۴)	پیروی نکردن از راه فسادگران (اعراف ۱۴۲)

جدول ۵: موارد افتراق وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم (ع)

راهنمادهای نیل به وضع مطلوب

در این قسمت از تجزیه و تحلیل الگوی جامع اشتراکات و افتراقات راهنمادهای نیل به وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم می آید.

موارد مشترک راهنمادهای نیل به وضع مطلوب

راهنمادهای جامع مشترک نیل به وضع مطلوب اقوام پیامبران (ع)	استنادها
شفاف سازی و بیان صریح عقاید و رسالت خود	اعراف ۶۲، ۱۵۷. صف ۶
عدم درخواست مزد	هود ۲۹. شوری ۲۳
شفقت و دلسوزی و حفظ سرمایه انسانی	هود ۲۹ و شعراء ۱۱۴. انعام ۵۲
شناسایی، اعلام و رفع نقاط ضعف قوم خود	اعراف ۶۳. هود ۲۸-۲۹. نوح ۱۰. عنکبوت ۱۷
بشارت و انذار	هود ۲. بقره ۱۱۹. سبأ ۲۸. نوح ۱. اعراف ۶۳. هود ۲۵ و ۴۳
استقامت و اتکال به خدا	یونس ۷۱ و ۸۹
طرح پرسش و پاسخ برای رسیدن به اهداف	صافات ۹۵-۹۶، شعراء ۷۲-۷۳ و ۷۴-۷۵، انبیاء ۵۲ و ۶۶ یونس ۳۱. مؤمنون ۸۴-۸۸
هجرت در راه هدف	صافات ۹۹، مریم ۴۸-۴۹، عنکبوت ۲۶، انبیاء ۷۱. قصص ۲۱ و ۲۲

بستر سازی تلاوم چشم‌انداز توحیدی در قرون آینده	بقره ۱۲۹. صف ۶
مدیریت بر اساس رحمت و محبت	انبیاء ۱۰۷. شعراء ۳. کهف ۶. توبه ۱۲۸. آل عمران ۱۵۹. قصص ۱۴ و ۱۵
آماده سازی و کادرسازی سرمایه انسانی	آل عمران ۵۲. اعراف ۱۵۵. قصص ۲۸. طه ۸۶
پیوند دادن بین امور معنوی و امور مادی	هود ۲-۳. نوح ۱۰
تشکیل حکومت	نساء ۵۹، ۸۳ و احزاب ۶. حشر ۷. نور ۶۳ و ۶۴
تمدن سازی	حجرات ۱۳. مؤمنون ۵۲. بقره ۱۸۸ و ۲۱۳. اسراء ۳۶ و ۷۰. نحل ۱۲ و ۳۶. انفال ۲۲. زمر ۹. آل عمران ۱۹۰. انعام ۹۷ و یونس ۵. جمعه ۲. نساء ۲۹، ۵۸. مائده ۴۲.

جدول ۶: موارد مشترک راهبردهای نیل به وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم (ع)

موارد افتراقی راهبردهای نیل به وضع مطلوب

استانداها	راهبردهای جامع مخصوص نیل به وضع مطلوب اقوام پیامبران اولوالعزم (ع)
هود ۳۷-۳۸	نجات مؤمنین با ساخت کشتی
اعراف ۶۲	نصح و خیرخواهی دیگران
شعراء ۱۱۲ و ۱۱۳	دخالت ندادن گذشته افراد و عدم تجسس در اعمال شخصی
هود ۴۳ و نوح ۱۰-۱۲	تمسک به خدا و استغفار از او، راهکار برون رفت از تهدیدات خارجی
انبیاء ۵۲ و ۵۴	سرزنش بت پرستی قوم
انعام ۸۰	بیان ارزش‌های خود در راه هدف
شعراء ۷۸-۸۳	بیان نقاط قوت سازمانی خود
قصص ۳۲، غافر ۲۷، اعراف ۱۳۴-۱۳۵	مبارزه با فرعون و ملأ او
اعراف ۱۳۸-۱۴۰	مبارزه با منافقان
قصص ۷۶-۸۲	مبارزه با مفسدان اقتصادی
طه ۸۸، ۹۲-۹۶	مبارزه با منحرفان اجتماعی
انعام ۷۸، انبیاء ۶۷، مریم ۴۸	برائت لفظی و عملی از شرک
بقره ۱۲۶، ابراهیم ۳۵	بهره‌وری سازمان از راه دعا و درخواست
بقره ۱۲۶، ابراهیم ۳۵	درخواست امنیت شهر و سازمان
بقره ۱۲۶، ابراهیم ۳۷	تأمین روزی اعضای سازمان
بقره ۱۲۸	آموزش ضمن خدمت و سازمان یادگیرنده
ابراهیم ۴۰ و ۴۱	سهیم دانستن اعضای سازمان در دریافت مزایا
ابراهیم ۳۹	ادامه حیات در یک سازمان
طه ۲۵-۳۵	آماده سازی خود با درخواست لوازم راهبردی مانند شرح صدر، آسانی کار، جانشین

جدول ۷: موارد افتراقی راهبردهای نیل به وضع مطلوب پیامبران اولوالعزم (ع)

امتیازات و برجستگی‌ها

در این بخش، به امتیازات و برجستگی‌های انسانی، سازمانی، و محیطی برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اعتقاد توحید ربوبی، اشاره می‌شود.

۱- امتیازات انسانی (فردی-اجتماعی)

امتیازات انسانی بیشتر نگاه به بیرون سازمان داشته و در دو بُعد فردی و اجتماعی انسان، حتی در غیر سازمان، اثرگذار است.

الف) اعتماد به نفس

پیامبران اولوالعزم با اعتماد به نفس و بدون هیچ اضطراب، شک، و تردیدی، اهداف خود را پایه‌ریزی نموده، از وضعیت موجود شناخت کامل پیدا می‌کردند، مأموریت خود را تدوین و وضع مطلوب را ترسیم کرده، و راهبردهای نیل به وضع مطلوب را اجرا می‌نمودند. در زندگی پیامبرانی مانند نوح (ع)، این اعتماد به نفس با رساندن رسالت پروردگارش دیده می‌شود که در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی‌اش تأثیر گذاشته است: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف ۶۲). انبیا (ع) این حرف را در پاسخ بی‌احترامانه قومشان گفته و با کمال طمأنینه و اعتماد به نفس و با توکل و یاد پروردگارش، آن‌ها را مورد لطف خویش قرار داده، نه‌تنها مانند خودشان پاسخ گفته‌اند، بلکه کاملاً در حرکتی مخالف سخن آن‌ها حرکت نموده و با اعتماد، برنامه‌ریزی راهبردی خود را طراحی و اجرا کرده‌اند.

در یک سازمان، اگر افراد به‌دنبال تکلیف الهی باشند و انجام وظیفه الهی را اصل بدانند و در برنامه‌ریزی راهبردی خود حدود شرعی را رعایت کنند، آن‌وقت در انجام این وظیفه و تبلیغ آن، نهایت تلاش را با اعتماد به نفس انجام خواهند داد. اعتماد به نفس، نفوذ کلام فرد را افزایش داده و زمینه موفقیت او را فراهم خواهد کرد (فروزنده و کوثری، ۱۳۹۰، صص. ۱۰۰-۱۰۲).

ب) صداقت

صداقت نه‌تنها در برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران وجود داشت، بلکه آن‌ها صداقت خود را آشکارا به دیگران بیان می‌نمودند (احقاف ۸-۹). پیامبر اکرم (ص) با صداقت، فرمان الهی را ابلاغ کرد و با صداقت، مردم را به‌سوی رشد و بالندگی هدایت فرمود. بر همین اساس، در برنامه‌ریزی راهبردی خود، زمینه ارتباطات اسلامی بین مدیر و دیگران و افراد با یکدیگر را با صداقت حاکم کرد. صداقت، اعتماد متقابل را به دنبال دارد، روح همکاری و هم‌فکری را تقویت می‌کند، افراد در سایه صداقت حرکت و تلاش و کوشش می‌کنند، و اهداف سازمانی را با انگیزه درونی دنبال خواهند کرد.

مجموع امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اساس توحید ربوبی نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی دانش مدیریت در بُعد انسانی (فردی-اجتماعی):

امتیازات و برجستگی‌های انسانی (فردی-اجتماعی)	استادها
برپایی عدالت از راه صداقت و امانت	شوری ۱۵، اسراء ۸۰، مؤمنون ۶۹
ایجاد اخوت و برادری	حجرات ۱۰
طرح پرسش و پاسخ گیری از مخاطب	یونس ۳۱ مؤمنون ۸ صفات ۹۵ شعراء ۷۳ انبیاء ۵۲
عدم تحمیل فکر و عقیده	آل عمران ۲۰
حرکت بر اساس بینش و بصیرت	یوسف ۱۰۸
برخورد قاطع با انحرافات	بقره ۱۲۰ و ۱۴۲
پیوند دادن بین امور معنوی و امور مادی	هود ۲-۳، نوح ۱۰-۱۲
با وجود بی‌منطقی‌های فراوان قوم، برخورداری از منطق و برهان	هود ۲۸
تحمل و صبر بی‌اندازه در مقابل کارشکنی‌ها و عدم تبعیت قوم	اعراف ۶۲
نجات قوم از گرفتاری‌های فکری-اعتقادی و اجتماعی-رفتاری با ایمان و استغفار	نوح ۱۰-۱۲
عدم درخواست مزد	هود ۲۹، شوری ۲۳
برخورد صریح و قاطع با افراد ناهنجار در سازمان و جامعه	هود ۴۳
استقامت و اتکال به خدا در همه حال	یونس ۷۱
استفاده از فرصت استجابت دعا	نوح ۲۶-۲۷
بیان شجاعانه عقاید و رسالت توحیدی و استقامت در راه هدف	بقره ۲۵۸، انبیاء ۵۴ و ۶۶
داشتن برتری علمی در تخصص هدایت قوم	مریم ۴۳
عدم تخطی از خط خداوند و عبادت و تقوای او	بقره ۱۳۱
امید داشتن به دستگیری مدیر هستی	مریم ۴۸
بیان ارزش‌های خود در راه هدف سازمانی	انعام ۸۰
اخلاق، محبت و احترام به مخاطبان	مریم ۴۲-۴۷
جستجوی روزی نزد خدا	عنکبوت ۱۷
برخورداری از منطق و برهان در مناظرات	بقره ۲۵۸
پیش‌قدمی نسبت به سایر اعضای سازمان در اجرای عملیات	ابراهیم ۳۷
مستدل صحبت کردن و دادن اطلاعات صحیح به مخاطب	بقره ۲۵۸
استفاده از الفاظ محترمانه با وجود تهدید به مرگ	مریم ۴۲-۴۵
راهکارهای معنوی و راهکارهای مادی جهت انگیزه حضور اعضا در سازمان	ابراهیم ۳۷
بهره‌ور نمودن سازمان از راه دعا و درخواست	بقره ۱۲۸-۱۲۹، ابراهیم ۳۶-۴۱
تأمین روزی اعضای سازمان	بقره ۱۲۶، ابراهیم ۳۷

جدول ۸: امتیازات و برجستگی‌های انسانی برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع)

۲- امتیازات سازمانی (فردی-گروهی)

منظور، امتیازات ناظر به افراد و گروه‌های داخل سازمان است. به دو نمونه از امتیازات اشاره شده و بقیه امتیازات ضمن جدولی فهرست‌وار می‌آیند.

الف) ابلاغ دستورها

آنچه ابلاغ دستورها بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی را از دیگر ابلاغ دستورها متمایز می‌کند، ویژگی‌هایی از قبیل دلسوزی مدیر برنامه‌ریز، استفاده از عواطف، اخلاق و رفتار برنامه‌ریز، اطلاع از فرهنگ، زبان، آداب، رسوم، و نقاط ضعف و قوت مردم، امین بودن و حسن سابقه، و بیان برخی کمالات خود، نه از روی تکبر و عجب، بلکه از روی وظیفه می‌باشد.

حضرت نوح (ع) در برنامه‌ریزی راهبردی خویش، ابلاغ دستورها را چنین بیان می‌کند: «إِذْ قَالَ لَهُمُ أُخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (شعراء ۱۰۶-۱۰۷).

این گونه ابلاغ دستورها در برنامه‌ریزی پیامبران با ویژگی‌هایی که در بالا ذکر گردید، به ترتیب در تدوین برنامه حضرت نوح، هود (شعراء ۱۲۴-۱۲۵)، صالح (شعراء ۱۴۲-۱۴۳)، لوط (شعراء ۱۶۱-۱۶۲)، شعیب (شعراء ۱۷۷-۱۷۸)، و موسی (ع) (دخان ۱۸) بیان گشته است.

سازمان‌ها بر مبنای سلسله‌مراتب اداره می‌شوند. مدیران مسئول تدوین برنامه و تنظیم دستورالعمل‌ها در سازمان هستند که باید در چارچوب اصول شرعی طراحی و تدوین کرده و به نیروها ابلاغ کنند. این ابلاغ باید بر اساس روابط انسانی بوده و به روحیات افراد توجه کرده، با صداقت و دلسوزی، دستورها را برای کارکنان تشریح کرده و با استفاده از ابزار عقل و عاطفه، زمینه انگیزه و نشاط را در کارکنان برای پذیرش دستورها و اجرای آن فراهم کند (فروزنده و کوثری، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۸-۱۱۹).

ب) ارائه الگو

بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی قرآنی، مدیر باید در سازمان الگو باشد: الگوی خداواری، تقوا، توکل، کار، تلاش، و انگیزه. با کار و عمل، کارکنان را دعوت به تلاش و کوشش کند. در هر سازمانی، کارکنان، رفتار مدیران را رصد کرده و بر اساس رفتار آن‌ها، رفتار خود را تنظیم می‌کنند و رفتار مدیران را الگوسازی می‌نمایند. برای مدیریت صحیح، نیاز به الگوی صحیح در سازمان است. مدیر الگوست. برای تسهیل ارتباطات سازمانی، ارائه الگو و نمونه مبنی و عملی لازم است که همراهی و هم‌گامی، همراه با انگیزه درونی در کارکنان ایجاد شود (فروزنده و کوثری، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۰-۱۲۲).

مجموع امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اعتقاد به توحید ربوبی نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی متداول علم مدیریت در بعد سازمانی (فردی-گروهی):

امتیازات و برجستگی‌های سازمانی (فردی-گروهی)	استنادها
بیان مأموریت و تعیین اهداف	بقره ۱۵۱، ۱۲۹ و آل عمران ۱۶۴ اعراف ۱۵۷، ابراهیم ۱ و ۵، مائده ۱۶
حفظ سرمایه انسانی و یارگیری و مهرورزی نسبت به آنان	انعام ۵۲
اعلام صریح مقام و جایگاه سازمانی خویش همراه با دلسوزی، نصیح و خیرخواهی	اعراف ۶۲، صف ۶
داشتن تفوق و برتری علمی و تخصصی در سلسله‌مراتب مدیریتی	اعراف ۶۲
تحلیل عوامل داخلی و خارجی بر اساس چشم‌انداز توحیدی	نوح ۱۰-۱۲
بهره‌گیری از انذار و تبشیر در هدایت سازمان	نوح ۱. اعراف ۶۳، هود ۲۵ و ۴۳

کرامت قاتل شدن به سرمایه انسانی در سازمان	هود ۲۹ و شعراء ۱۱۴. قصص ۲۸
شناسایی، اعلام و رفع نقاط ضعف	اعراف ۶۳ هود ۲۸ و ۲۹. نوح ۱۰
پرهیز از تجسس در اعمال شخصی افراد و دخالت ندادن گذشته شخصی اعضا در سازمان	شعراء ۱۱۲ و ۱۱۳
بیان نقاط قوت سازمان الهی با محوریت توحید ربوبی	شعراء ۷۹-۸۰
توجه به تمام نیازهای کارگزاران از جمله نیازهای علمی و معنوی	بقره ۱۲۹
ادامه حیات در یک سازمان (مدیریت Z)	ابراهیم ۳۹
انتخاب جانشین و استمرار ولایت	مائده ۶۷
یادآوری موهبت‌های مادی و معنوی سازمان و لزوم قدردانی از آن‌ها	ابراهیم ۳۹
رعایت تفاوت‌های فردی و گروهی	مریم ۴۲. شعراء ۷۲-۷۳. انبیاء ۶۳-۶۷. بقره ۲۵۸
ارائه طرح و الگوی رهبری برای آینده‌های دور سازمان الهی	بقره ۱۲۹
بیان صریح عقاید و رسالت توحیدی	شعراء ۱۶. طه ۲۵. اعراف ۱۰۴-۱۰۵
اهمیت دادن به کار تیمی	طه ۳۱-۳۲
آماده‌سازی سرمایه انسانی	اعراف ۱۵۵
همپایی با برنامه‌های سابق سازمان و ابلاغ آن	آل عمران ۵۰
بسترسازی تداوم چشم‌انداز توحیدی در قرون آینده	صف ۶

جدول ۹: امتیازات و برجستگی‌های سازمانی برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع)

۳- امتیازات محیطی (منطقه‌ای-فرمانطقه‌ای)

دانشمندان، عوامل مختلف جهانی شدن را در چهار گروه فرهنگی، تجاری، تکنیکی، و قانونی دانسته‌اند. عوامل فرهنگی: نگرش‌ها، سلیقه‌ها، رفتارها، و باورهای اجتماعی؛ عوامل تجاری: توزیع، مشتری‌مداری، و پاسخ‌گویی؛ عوامل تکنیکی: استانداردها، نیاز به حضور فیزیکی، حمل‌ونقل، و زبان؛ و عوامل قانونی: قوانین و مقررات و امنیت ملی. از طرف دیگر، عوامل سیاسی با محوریت آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری، عوامل فناورانه: حمل‌ونقل، ارتباطات، و صرفه‌جویی ناشی از مقیاس بازگشت سریع هزینه‌های تحقیق و توسعه، عوامل اجتماعی: هم‌گرایی نیازهای مشتریان، و عوامل رقابتی، عوامل تحریک‌کننده جهانی شدن به حساب آمده‌اند (لازر، ۱۳۹۱، صص. ۳۶-۴۵).

از نظر قرآن کریم، بعضی از انبیا برای هدایت قوم و محیط خویش ارسال شده‌اند (نحل ۳۶). از برخی دیگر آیات برمی‌آید که بعضی از پیامبران برای هدایت همهٔ بشر و فرمانطقه‌ای خویش مبعوث گشته‌اند که معروف به پیامبران اولوالعزم هستند؛ مانند نوح (ع) که با ساخت کشتی و غرق شدن همهٔ افراد روی زمین به‌جز سواران کشتی، بر همهٔ عالم نبوت نمود؛ ابراهیم (ع) که برای همهٔ مردم امام قرار داده شد؛ موسی (ع) که در مصر، مدین، و فلسطین پیامبری نمود؛ عیسی (ع) که سرزمین شامات را تبلیغ می‌کرد؛ پیامبر اسلام (ص) که برای جهانیان مبعوث گشته است، رحمت برای عالمیان (انبیاء ۱۰۷)، رسالت جهان‌گستر (انعام ۱۹)، و بیرون آوردن مردم از ظلمات به نور (ابراهیم ۱). بر اساس آیات دسته دوم، برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران نه تنها منطقهٔ خودشان را، بلکه فرمانطقه‌ای بوده و آن بزرگواران برای تمام عالم و آدم

برنامه‌ریزی راهبردی داشته‌اند؛ بنابراین، از جمله امتیازات برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اعتقاد به توحید ربوبی، چنین ویژگی‌ای است که برای جهان برنامه‌ریزی راهبردی می‌کند. مجموع امتیازات و برجستگی‌های برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اعتقاد به توحید ربوبی نسبت به برنامه‌ریزی راهبردی متداول علم مدیریت در بعد محیطی (منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای):

امتیازات و برجستگی‌های محیطی (منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای)	استادها
ایجاد وحدت بین تمام مسلمانان جهان	بقره ۲۱۳، نساء ۵۹، انفال ۶۲
مدیریت بر اساس رحمت و محبت	انبیاء ۱۰۷، شعراء ۳، کهف ۶، توبه ۱۲۸، آل عمران ۱۵۹
مهاجرت با اهداف، دریافت رسالت، تبلیغ اشاعه دین و دعوت به یکتاپرستی	صافات ۹۹، مریم ۴۸، عنکبوت ۲۶، انبیاء ۷۱، قصص ۲۱
اهتمام به تثبیت فرهنگ و ارزش‌های سازمانی و بهره‌گیری از انواع ارزش‌ها در سازمان	اعراف ۶۳، یونس ۷۱، هود ۲۸ و ۴۱
شناسایی و تعیین مسائل راهبردی با نگاه توحیدی	نوح ۱۰
استفاده از منابع غیبی و نقش کلیدی قائل بودن به عوامل فرامادی	مؤمنون ۲۷ و ۲۹
استفاده از تمامی شیوه‌های مؤثر و فرصت‌ها	نوح ۵، ۸ و ۹
راهکار برون رفت از تهدیدات خارجی	هود ۴۳ و نوح ۱۰-۱۲
نجات مؤمنین با (ساخت کشتی) هر وسیله ممکن	هود ۳۷-۳۸
داشتن امنیت و رسیدن به هدایت دو ویژگی انسان موفق در سازمان	انعام ۸۲، بقره ۱۲۶
همیشه خدا را ناظر کامل بر سراسر سازمان هستی دیدن	ابراهیم ۳۸-۳۹
هدایت به‌سمت سازمان یادگیرنده و اخلاق محور	بقره ۱۲۹
معرفی موفقین و هدایت‌یافتگان	انعام ۸۲
مبارزه با گروه‌های گوناگون: فرعون و ملأ او، منافقان، مفسدان اقتصادی، منحرفان اعتقادی	غافر ۲۷، اعراف ۱۳۸، قصص ۷۶، طه ۸۸
نهادینه‌سازی باورهای سازمان برای رقبا	طه ۵۰
مقابله با سطح علمی زمان خویش از راه به‌کارگیری معجزات متناسب زمان	آل عمران ۴۹
اجرای طرح‌ها بر اساس مقتضیات زمان	آل عمران ۵۰

جدول ۱۰: امتیازات و برجستگی‌های محیطی برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم (ع)

مقایسه و تطبیق با برنامه‌ریزی راهبردی رایج

در این قسمت از تجزیه و تحلیل، اشاره‌ای به مباحثی از قبیل شباهت‌ها و تفاوت‌های دو نوع برنامه‌ریزی متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی و بدون اعتقاد به توحید ربوبی پرداخته می‌شود.

مشابهت‌های دو نوع برنامه‌ریزی راهبردی

در دو نوع برنامه‌ریزی، عقل و پذیرش یافته‌های خرد بشر در تدوین، اجرا، و ارزیابی برنامه‌ریزی راهبردی به رسمیت شناخته شده و واضح است که برنامه‌ای که بر اساس خرد ایجاد شده باشد، در طول زمان ممکن است به حکم همان خرد تعدیل یا اصلاح شود. مثلاً در مکاتب برنامه‌ریزی راهبردی، مکتب طراحی، بیانگر عقلانی بودن برنامه‌ریزی است. در مکتب توحیدی نیز، موحدان، برنامه‌ریزی راهبردی‌شان را که منشأ وحی دارد، هنگام تدوین به قومشان، خطاب به کار بستن عقل را یادآور می‌شوند.

حفظ و رعایت شأن و منزلت انسان (هرچند با تفاوت) در هر دو نوع برنامه‌ریزی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

شایسته‌سالاری و ضرورت سپردن امور به افراد دارای تخصص و دانش، مورد تأکید هر دو نگاه است. البته در نگاه توحیدی، مؤلفه مهم‌تر از این‌ها نیز مورد توجه است و آن، عبارت از «علم لدنی» داشتن شخص در واگذاری کارهاست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۵، ص. ۳۶۳).

انعطاف‌پذیری و مخالفت با سلسله‌مراتب خشک اختیار و دستور نیز مورد توافق دو نوع برنامه‌ریزی راهبردی است.

تأکید بر عدالت و برابری اجتماعی نیز از مشترکات دو نوع دیدگاه است.

تفاوت‌های دو نوع برنامه‌ریزی راهبردی

هدف و دستاورد مورد انتظار در نظام برنامه‌ریزی راهبردی مکاتب علمی مدیریت، فقط خواسته‌های مادی است، اما در نظام اعتقادی، همه فعالیت‌های یک مسلمان معتقد باید معطوف به کسب رضایت پروردگار و در راستای اجرای دستورهای او باشد. این نوع نگاه، در صورت عدم موفقیت هم، امتیازاتی از قبیل آرامش روح و روان دارد که بر اساس خواست پروردگار عمل کرده و وظیفه خود را انجام داده‌ام.

نگاه طولانی‌مدت به دنیایی غیر از این دنیا که آخرت است، در دیدگاه برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی وجود دارد که در صورت دست پیدا نکردن به نتیجه در این دنیا، حتماً در آن دنیا پاداش و عقاب به صاحب عمل می‌رسد. این اعتقاد، نوعی خودکنترلی را به بار می‌آورد، زیرا فرد در انجام وظیفه‌اش وجداناً ملزم می‌شود و این قضیه در هیچ نظام دیگر وجود ندارد (زارع، ۱۳۹۶، صص. ۱۸۶-۱۸۸).

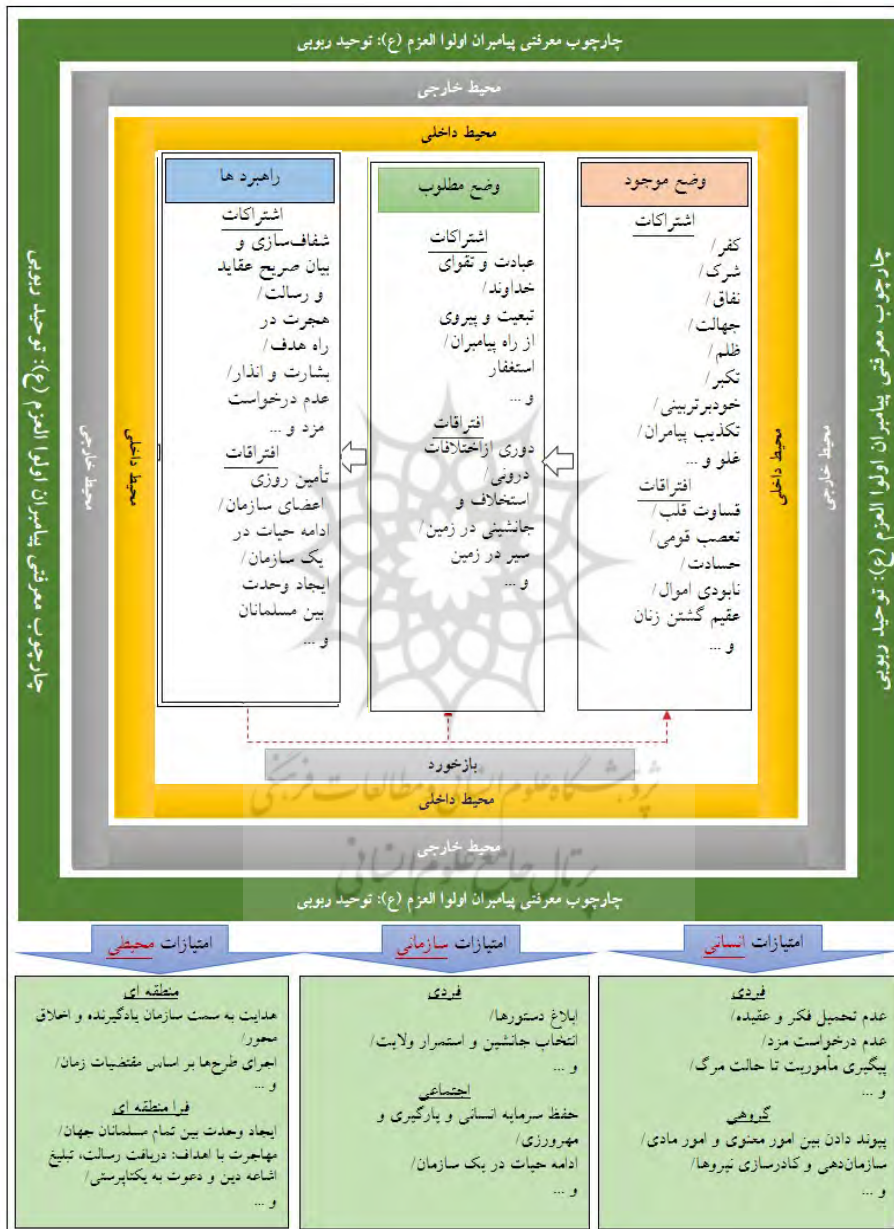
در سیستم مدیریت علمی، برابری اجتماعی، هدف نهایی تلقی می‌شود، در صورتی که بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی، این مفهوم از ابزارهای نیل به هدف محسوب می‌شود که در آن، هدف متعالی، عبارت از استقرار ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی در بین امت اسلامی است.

هرچند در نظام مدیریت علمی، مشورت جایگاه مناسبی دارد، در نظام برنامه‌ریزی راهبردی اعتقادی به توحید ربوبی، با توجه به وجود الگوهای معرفی شده از طرف خدا، این مفهوم از پشتوانه‌ای غنی بهره‌مند است که افراد به‌طور جد باید در اقدامات خود از ثمره عقول دیگران در قالب مشورت بهره‌برداری کنند.

خیرخواهی و نصیحت‌طلبی در نظام برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس اعتقاد به توحید ربوبی، مورد تأکید همه الگوهاست که این نوع نگاه در نظام برنامه‌ریزی راهبردی علمی دیده نمی‌شود.

مدل جامع تحقیق

مدل جامع این تحقیق، عبارت از سه قسمت وضع موجود، وضع مطلوب، و راهبردهای نیل به وضع مطلوب است که تحت دو محیط داخلی و خارجی و در اشراف چارچوب معرفتی پیامبران اولوالعزم قرار می‌گیرد.



مدل ۵: مدل جامع برنامه‌ریزی راهبردی تحقیق

نتیجه‌گیری

خداوند بر اساس توحید ربوبی خود، پیامبران را برای هدایت بشر ارسال کرده است. از میان پیامبران مرسل، پنج پیامبر دارای شریعت بوده و پیامبران اولوالعزم هستند. برنامه‌ریزی راهبردی، به معنای اخذ تصمیمات اصلی سازمان، همراه با فرایند و رقابت‌پذیری با سازمان‌های همگون بوده، همیشه با محیط خارجی و داخلی در ارتباط بوده و با توجه به آن‌ها در سه قسم تدوین، اجرا، و ارزیابی صورت می‌گیرد.

مقاله حاضر با روش تفسیر موضوعی برون‌قرآنی و میان‌رشته‌ای، نقش توحید ربوبی در مدل برنامه‌ریزی راهبردی پیامبران اولوالعزم را بررسی کرد. برنامه‌ریزی راهبردی آن‌ها شامل فرایند سه‌مرحله‌ای شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب، و راهبردهای نیل به وضع مطلوب بوده است. هر کدام از پیامبران دارای الگوی برنامه‌ریزی راهبردی هستند که در میان آن‌ها اشتراکات و افتراقات وجود دارد.

امتیازات و برجستگی‌های مدل برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس توحید ربوبی پیامبران اولوالعزم از منظر قرآن کریم، در سه بخش: امتیازات انسانی (فردی-اجتماعی)، سازمانی (فردی-گروهی)، و محیطی (منطقه‌ای-فرامنطقه‌ای) به صورت تفکیکی طی جداولی ارائه گردید.

دو نوع مدل برنامه‌ریزی راهبردی (متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی و بدون اعتقاد به توحید ربوبی)، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. استفاده از خرد بشر، حفظ و رعایت شأن و منزلت انسان، شایسته‌سالاری و ضرورت سپردن امور به افراد دارای تخصص و دانش، انعطاف‌پذیری، و تأکید بر عدالت و برابری اجتماعی، مورد توافق و شباهت دو نوع برنامه‌ریزی راهبردی است. جلب رضایت پروردگار در مقابل فقط خواسته‌های مادی، نگاه طولانی‌مدت به دنیایی غیر از این دنیا که آخرت است، خودکنترلی از راه التزام وجدانی برخلاف ناظران بیرونی، از ابزارهای نیل به هدف دانستن برابری اجتماعی که در سیستم مدیریت علمی هدف نهایی تلقی می‌شود، تأکید به استفاده از مشورت با الگوهای معرفی شده از طرف خدا، و خیرخواهی و نصیحت‌طلبی، از جمله تفاوت‌های مدل برنامه‌ریزی راهبردی متأثر از اعتقاد به توحید ربوبی است.

منابع

- قرآن کریم. (۲۰۲۲). (حسین فرارودی و گروهی از قرآن پژوهان تاجیک، مترجمان). استانبول: دارالبینه.
- احمدی، علی و همکاران. (بی تا). نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک. انتشارات تولید دانش.
- اسکودر بک، پیتز، چارلز اسکودر، و آستریوس کفالس. (۱۳۸۵). سیستم‌های مدیریت (MIS-تصمیم‌گیری، سایبرنتیک) (زهرا برومند، مترجم). تهران: انتشارات جنگل.
- برایسون، جان مر. (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی (عباس منوریان، مترجم). تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بهشتی، احمد. (۱۳۷۵). عیسی (ع) در قرآن. تهران: انتشارات اطلاعات.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). توحید در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). ادب توحیدی انبیاء در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. تهران: سمت.
- حسین او، صفرماد. (۱۳۹۷). تبیین مدل برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس توحید ربوبی از منظر قرآن کریم (رساله دکتری). قم: جامعه المصطفی (ص)، مجتمع قرآن و حدیث.
- حکیم، محمدباقر. (۱۳۷۴). القصص القرآنی. قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- حیدرزادگان، علیرضا، و مشهدی عباس، فاطمه. (۱۳۹۲). فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک از منظر قرآن. فصلنامه مطالعات قرآنی، (۱۶).
- حیدری فر، مجید. (۱۳۸۷). مدرسه ترم توحید (خدا یابی و خداشناسی، توحید و شرک در آینه وحی). قم: جامعه المصطفی (ص).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیباچی، محمدعلی. (۱۳۸۷). پیامبران دولتمرد، پژوهشی در باره مدل‌های حکومت دینی در قرآن. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- زارع، حمید. (۱۳۹۶). نظام اداری در سیره و سنت نبوی (ص). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سادرلند، جانانان، و دیانا کانول. (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی مدیریت استراتژیک (مهدی مشفق و محمد تقوی، مترجمان). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سرتو، ساموئل، و پیتز، پائول. (۱۳۸۰). مدیریت استراتژیک (علی شمخانی، مترجم). تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- شبستری، عبدالحسین. (۱۳۷۹). اعلام القرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شریفی، فاطمه. (۱۳۸۴). گذری بر شیوه‌های تبلیغی پیامبران اولوالعزم در قرآن. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- شمس، عبدالحسین. (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک و استراتژی‌های صنعتی و تجاری. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*. بیروت، لبنان: دار الکتب العلمیه.
- ضیائی فر، سعید. (۱۳۸۲). *جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد*. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*. اربد، اردن: دار الکتب الثقافی.
- عابدی جعفری، حسن، و معصومی مهر، حمیدرضا. (۱۳۹۲). *مدیریت اسلامی (مدل‌ها و موانع تحقق آن در جامعه و سازمان‌ها)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیر کبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت، لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- فرازی، عباس و همکاران. (۱۳۹۵). ارائه الگوی مفهومی برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر زمینه دانشگاهی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، (۳).
- فروزنده دهکردی، لطف‌الله، امینی، محمدتقی، و خبازباویل، صمد. (۱۳۹۲). *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک با رویکرد تدوین استراتژی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فروزنده، لطف‌الله، و کوثری، سحر. (۱۳۹۰). *شاخصه‌های ارتباط سازمانی با رویکرد قرآنی*. قم: بوستان کتاب.
- فرهمند، ناصر فقهی. (۱۳۸۴). *مدیریت استراتژیک سازمان*. تهران: فروزش.
- فرهنگی، علی اکبر، و صفزاد، حسین. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با نگرشی بر پایان‌نامه‌نویسی)*. قم: پیام پویا.
- کافی، مجید. (۱۳۹۶). *تاریخ در قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- گرونیك، رودلف، و ریچارد کهن. (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی استراتژیک فرایند محوری (حسن رنگریز و رقیه حسینی، مترجمان)*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- لازر، فیلیپ. (۱۳۹۱). *مدیریت استراتژیک جهانی (فریبرز رحیم‌نیا، ابراهیم مشرقی، و مریم عبادی، مترجمان)*. مشهد: آستان قدس رضوی، به‌نشر.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۲). *حکمت‌نامه عیسی بن مریم (ع)*. قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). *آموزش عقاید*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیر کبیر.
- نچمیاس، چاوا فرانکفورد. (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی (فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، مترجمان)*. تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- نقره‌کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ، و نقره‌کار، سلمان. (۱۳۸۹). *مدل‌سازی: روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای*. نمونه موردی: امکان‌سنجی بهره‌گیری از آموزه‌های «اندیشه اسلامی» در «آموزش معماری». *نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، (۱).
- نوریان، حسین. (بی‌تا). *روش تحلیل استراتژیک وضعیت موجود کسب و کار*.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). *فرهنگ قرآن*. قم، ایران: بوستان کتاب.

هاشمی شهرستانی، عمران. (۱۳۸۹). *شناختی از انبیاء (ع) در قرآن و روایات از حضرت آدم تا حضرت خاتم (ص) / قم: پیام حجت.*

هینز، استیون. (۱۳۸۷). *رویکرد تفکر سیستمی به برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک (رشید اصلانی، مترجم). تهران: نشر نی.*

Alkhafaji, A. F. (2003). *Strategic management: Formulation, implementation, and control in a dynamic environment*. The Haworth Press, Inc.

Janet, S. (2001). *Strategic planning toolkit*. CIVICUS: World Alliance for Citizen Participation.

Kuhn, T. S. (1970). *The structure of scientific revolutions* (2nd ed.). The University of Chicago.

Robbins, S. P., De Cenzo, D. A., & Coulter, M. (2013). *Fundamentals of management: Essential concepts and applications* (8th ed.). Pearson Education, Inc.

Wehrich, H., & Koontz, H. (2006). *Management: A global perspective* (11th ed.). Los Angeles.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی